مقاله پژوهشی
مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان
دوره ۲۰، دی ۱۴۰۰، ۱۱۱۶-۱۰۹۹

مقایسه مقبولیت اجتماعی، اختلالات سلوک و دشواری در تنظیم هیجان در کودکان طلاق، کودکان با مرگ والدین و کودکان عادی شهر قم در سال ۱۳۹۹: یک مطالعه توصیفی

محدثه زراعتکار[۱]، شهرزاد سراوانی[۲]، مژگان زینلی‌پور[۳]، فائزه اربابی[۴]

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲ ارسال مقاله به نویسنده جهت اصلاح: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶ دریافت اصلاحیه از نویسنده: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

چکیده

زمینه و هدف: تجربه جدایی و مرگ والدین می‌تواند به مشکلات روان‌شناختی و رفتاری زیادی منجر شود. هدف پژوهش حاضر تعیین و مقایسه مقبولیت اجتماعی، اختلالات سلوک و دشواری در تنظیم هیجان در کودکان طلاق، کودکان با مرگ والدین و کودکان عادی بود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه توصیفی، تعداد ۱۸۰ دانش‌آموز مقطع متوسطه اول و ششم ابتدایی مشغول به تحصیل در شهر قم در سال ۱۳۹۹ با روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند که شامل ۶۰ نفر دانش‌آموز با مرگ والدین، ۶۰ نفر دانش‌آموز با والدین مطلقه و ۶۰ نفر دانش‌آموز عادی بودند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های مقبولیت اجتماعی Ford و Rubin، اختلالات سلوک Spirafkin و Gado و دشواری در تنظیم هیجانی Penza-Cliyve و Zeman و برای آنالیز داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها: بین کودکان طلاق، کودکان دارای تجربه مرگ والدین و کودکان عادی، در اختلالات سلوک (P<۰/۰۰۱، F=۵۰/۸۰۷)، دشواری در تنظیم هیجان (P<۰/۰۰۱، F=۱۱/۳۴۴) و مقبولیت اجتماعی (P=۰/۰۱۳، F=۴/۴۲۰) تفاوت معناداری وجود دارد. به این ترتیب که مقبولیت اجتماعی، اختلالات سلوک و دشواری در تنظیم هیجان در دانش‌آموزان فرزند طلاق بیش‌تر از دانش‌آموزان دارای مرگ والدین و دانش آموزان عادی بود.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش، میزان اختلالات سلوک و دشواری در تنظیم هیجانی در کودکان طلاق بیش‌تر از کودکان با مرگ والدین و کودکان عادی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود از آموزش‌ها و درمان‌های روان‌شناختی برای کاهش مشکلات روان‌شناختی از جمله علائم اختلالات سلوک و بهبود تنظیم هیجان و افزایش مقبولیت اجتماعی در دانش‌آموزان دارای تجربه طلاق والدین و مرگ والدین استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: مقبولیت اجتماعی، اختلالات سلوک، مرگ والدین، طلاق، کودکان، قم

۱- کارشناس ارشد، گروه مشاوره خانواده، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
۲- (نویسنده مسئول) استادیار، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
تلفن: ۰۲۵-۳۲۸۰۸۰۸۰، دورنگار: ۰۲۵-۳۲۸۰۴۰۴۰، پست الکترونیکی: shahrzad_saravani@yahoo.com
۳- کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
۴- کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

مقدمه

محیط خانواده مهم‌ترین عامل در یادگیری و رشد کودکان و جایگاهی امن برای ارضاء نیازهای گوناگون جسمانی، عقلانی و عاطفی آنان است که آگاهی و شناخت چگونگی ارضاء آن‌ها بسیار ضروری است [۱]. معمولاً عوامل گوناگون فردی، اجتماعی، عاطفی و روان‌شناختی پایداری و انسجام این نهاد دیرینه و سازنده اجتماعی را تضعیف می‌کنند [۲].

از جمله مشکلات خانوادگی که می‌تواند به مشکلات روان‌شناختی کودکان منجر شود طلاق و مرگ والدین است که به عنوان دو عامل فشارزای دوران رشد در نظر گرفته می‌شوند [۳]. طلاق موجب تغییر در ساختار خانواده و ایجاد فشار و استرس برای تمامی اعضای خانواده است و اغلب موجب کاهش سازگاری روان‌شناختی می‌شود [۴]. تحقیقات نشان داده‌اند که رابطه بین طلاق و سلامت روان‌شناختی فرزندان بسیار پیچیده است. داشتن شغل‌های سطح پایین، تحصیلات دانشگاهی پایین، روابط بی‌ثبات با والد همراه، ترس از تعهد و طلاق در زندگی زناشویی، مصرف بیش‌تر الکل در نوجوانی، بزهکاری و کاهش خودپنداره مثبت از جمله مشکلات احتمالی این کودکان محسوب می‌شود [۵].

حادثه استرس‌زای مرگ والدین موجب مشکلات روان‌شناختی مانند افسردگی [۶]، میزان پایین اشتغال و مشکلات شغلی، عزت نفس پایین، ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی و ابراز هیجانات در کودکان می‌باشد [۷]. Tebeka و همکاران در یک مطالعه با هدف ارتباط طلاق یا مرگ والدین در دوران کودکی و نوجوانی با سلامت روان نشان دادند که سابقه طلاق والدین به شیوع قابل توجهی از اختلالات روان‌پزشکی به‌ویژه اختلالات مصرف الکل و مواد مخدر منجر می‌شود و سلامت عمومی در افرادی که مرگ پدر و مادر را تجربه کرده‌اند پایین‌تر از فرزندان عادی و طلاق می‌باشد [۸]. هم‌چنین یافته‌های پژوهش Amato و Anthony با هدف تعیین اثرات طلاق و مرگ والدین نشان داد که طلاق و مرگ والدین پیامدهای منفی زیادی برای کودکان دارند و طلاق والدین منجر به پیامدهای منفی بیش‌تری می‌شود [۹]. به‌علاوه، مطابق با نظریه سیستم‌های بوم شناختی (Urie Bronfen Brenner Ecological Systems Theory) که Bronfen Brenner در سال ۱۹۹۷ ارائه داد رفتار کودکان را می‌توان برآیندی از تأثیر پیوندهای اجتماعی مانند مقبولیت اجتماعی، ویژگی‌های فردی مانند سرشت هیجان‌پذیر و حتی تأثیر روابط والدین با کودکان و نحوه سازگاری بین آن‌ها دانست که گاه اختلالات روان‌شناختی مانند اختلالات سلوک آن را دچار چالش می‌نماید [۱۰].

مقبولیت اجتماعی (Social acceptability) همان گرایش به پاسخ دادن به شیوه‌ای است که فرد در نظر دیگران بهتر جلوه کند. مقبولیت اجتماعی موجب بروز رفتارهای مناسب و عملکرد اجتماعی مثبت در کودکان شده و باعث می‌شود که آن‌ها از طرف همسالان مورد تحسین و احترام قرار بگیرند [۱۱]. هر انسانی نیاز مبرم به مقبولیت اجتماعی از طرف خانواده، دوستان، مدرسه و جامعه دارد چون مقبولیت اجتماعی فرد را در برابر انواع مشکلات جسمی و روحی مقاوم می‌کند و به او اعتماد به نفس کافی در مقابل مشکلات زندگی می‌دهد [۱۲]. از نظر والدین و معلمان، کودکانی که فاقد

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

مقبولیت اجتماعی هستند انواع مشکلات هیجانی و اجتماعی را تجربه می‌کنند و رشد نامطلوبی دارند [۱۳].

محقق از مشاهدات تجربی خود چنین استنباط کرد که عواملی هم‌چون اختلال سلوک و دشواری تنظیم هیجان می‌تواند بر مقبولیت اجتماعی تأثیرگذار باشند. اختلالات سلوک (Mental disorders) که یکی از اختلال‌های رفتاری دوران کودکی و نوجوانی را تشکیل می‌دهد الگوی رفتاری پایدار و تکرار شونده‌ای مشتمل بر نقض حقوق اساسی دیگران و تجاوز از هنجارهای اصلی اجتماعی متناسب با سن کودک یا نوجوان تعریف شده است. ناتوانی در حل مسئله، عزت نفس پایین، رفتارهای پرخاشگرانه و ناسازگارانه، ضعف در عملکرد تحصیلی و ناتوانی در مهارت‌های اجتماعی کلامی و غیرکلامی از پیامدهای اختلالات سلوک است [۱۴]. اختلالات سلوک در دوره کودکی و نوجوانی اثرات نامطلوبی بر زندگی آینده وی می‌گذارد؛ بزرگسالانی که در کودکی مبتلا به اختلالات سلوک تشخیص داده شده بودند از سلامت جسمانی و روانی کم‌تری برخوردار و در زمینه فرزندپروری نیز با مشکلات بیش‌تری روبرو بودند [۱۵].

تنظیم هیجان (Emotional regulation) نیز یکی از متغیرهای مرتبط با اختلالات رفتاری و سلوک است [۱۶] و به این معنی است که چگونه یک فرد یک تجربه هیجانی را از طریق رفتارهای کلامی و غیر کلامی بیان می‌کند [۱۷]. تنظیم شناختی هیجان شامل نظارت، ارزیابی و اصلاح واکنش‌های هیجانی به ویژه حالت‌های شدید و زودگذر هیجانی به منظور رسیدن به اهداف است [۱۸]. هیجانات منفی با طرد و هیجانات مثبت با مقبولیت اجتماعی مرتبط است [۱۹]. Scharfstein و Beidel نشان دادند که کودکان دارای اختلالات سلوک پاسخ‌های اجتماعی غیرمؤثری دارند و این امر موجب می‌شود که آن‌ها مورد پذیرش همسالان قرار نگیرند [۲۰].

بنا بر آن‌چه ذکر شد طلاق و مرگ والدین از رویدادهای استرس‌زایی هستند که بر کودکان تأثیرات روانی-اجتماعی زیادی دارند. از این رو، توجه به پیامدهای روانی-اجتماعی-هیجانی طلاق و مرگ والدین و مطالعه متغیرهای ایجادکننده آن مانند مقبولیت اجتماعی، اختلالات سلوک و دشواری تنظیم هیجان می‌تواند به روان‌شناسان و درمان‌گران کمک کند تا بتوانند با استفاده از درمان‌ها و آموزش‌های روان‌شناختی به حل مشکلات این کودکان بپردازند. هم‌چنین با توجه به این‌که پژوهش‌های گذشته به مقایسه تأثیرات مرگ والدین و طلاق بر علائم مقبولیت اجتماعی، اختلالات سلوک و دشواری در تنظیم هیجان نپرداخته و به‌طور ویژه این سه متغیر را در کودکان طلاق و کودکان دارای تجربه مرگ والدین مورد بررسی قرار نداده است؛ بنابراین مطالعه حاضر با هدف تعیین و مقایسه مقبولیت اجتماعی، اختلالات سلوک و دشواری در تنظیم هیجان در کودکان طلاق، کودکان با مرگ والدین و کودکان عادی شهر قم در سال ۱۳۹۹ اجرا گردید.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع توصیفی بود. جامعه مورد پژوهش شامل دانش‌آموزان کلاس ششم مقطع ابتدایی و کلاس هفتم، هشتم و نهم مقطع متوسطه اول شهر قم در سال ۱۳۹۹ بودند که دارای تجربه طلاق و یا مرگ والدین بودند و یا هیچ‌کدام از این عوامل فشار زا را تجربه نکرده بودند. برای محاسبه حجم

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

نمونه با توجه به این‌که حداقل حجم لازم در تحقیقات توصیفی برای هر گروه نباید کم‌تر از ۳۰ نفر باشد [۲۱]، لذا تعداد ۱۸۰ نفر دانش‌آموز به عنوان گروه نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شدند که شامل ۶۰ نفر دانش آموز با مرگ والدین (۳۰ دختر و ۳۰ پسر)، ۶۰ نفر دانش آموز با والدین مطلقه (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) و ۶۰ نفر دانش آموز عادی دارای هر دو والد (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) بودند.

ملاک ورود به نمونه شامل نداشتن اختلال حاد روحی و روان‌شناختی با توجه به پرونده سلامت دانش‌آموز، کسب رضایت والدین و توانایی پاسخ به پرسش‌نامه بود. ملاک خروج از نمونه شامل داشتن اختلال رفتاری و روانی شدید با توجه به پرونده سلامت دانش‌آموز، عدم تمایل به شرکت در پژوهش و تکمیل ناقص پرسش‌نامه‌ها بود.

برای انجام پژوهش، محقق پس از کسب مجوزهای لازم و دریافت شناسه اخلاق IR.IAU.QOM.REC.1400.008 شخصاً جهت پخش پرسش‌نامه‌ها از دی ماه تا اسفند ماه ۱۳۹۹ در شهر قم در طی ساعت حضور دانش‌آموزان در شیفت صبح اقدام کرد. محقق با مراجعه به مدارس مقطع ابتدایی و متوسطه اول شهر قم و ارائه مدارک مربوط به انجام تحقیق از مدیران مدرسه درخواست نمود بر اساس پرونده تحصیلی، اسامی دانش‌آموزانی که یکی از والدین یا هر دوی آن‌ها فوت نمودند، دانش‌آموزانی که والدین آن‌ها به علت طلاق از هم جدا شده بودند، در اختیارشان قرار دهد. بعد از شناسایی دانش‌آموزان با مرگ والدین و دانش آموزان با تجربه طلاق والدین، به همان تعداد به صورت در دسترس از کودکان عادی به عنوان گروه کنترل نیز استفاده شد. هر سه گروه از نظر سن، پایه تحصیلی و جنسیت همتاسازی شدند.

در هر مدرسه محقق با توجه به آمار موجود هر سه گروه، توضیحات لازم را به آزمودنی‌های شرکت کننده در پژوهش ارائه داد و رضایت‌نامه کتبی از آن‌ها کسب کرد و سپس به توزیع پرسش‌نامه‌ها به صورت فردی پرداخت. در این تحقیق برای پاسخ به دو پرسش‌نامه خودگزارشی مقبولیت اجتماعی و تنظیم هیجانی که توسط دانش آموزان تکمیل شد ۸۰ دقیقه فرصت داده شد اما پرسش‌نامه اختلالات سلوک (فرم والد) توسط یکی از والدین دانش‌آموز که آن‌جا حضور داشت تکمیل شد. تمامی پرسش‌نامه‌ها در زمان اخذ از واحدهای پژوهش بررسی شد تا چنان‌چه شرکت کننده به سؤالی پاسخ نداده بود مجدداً از وی درخواست شود که پرسش‌نامه‌ها را به صورت کاملاً تکمیل شده تحویل دهد. جهت در نظر داشتن ملاحظات اخلاقی در این پژوهش اطلاعات ارائه شده در قالب پرسش‌نامه‌ها تنها در اختیار محقق بوده و از دستیابی افراد دیگر به این‌گونه اطلاعات ممانعت به عمل آمد تا اصل رازداری رعایت گردد. هم‌چنین افراد شرکت کننده مختار بودند که در هر زمانی که بخواهند پژوهش را ترک نمایند. ویژگی‌های جمعیت شناختی در این پژوهش شامل سن، پایه تحصیلی و جنسیت بود.

پرسش‌نامه مقبولیت اجتماعی: این مقیاس توسط Ford و Rubin در سال ۱۹۷۰ برای اندازه‌گیری مقبولیت اجتماعی کودکان ساخته شد و دارای ۲۶ گویه بسته پاسخ است. آن‌ها پرسش‌نامه را بر روی ۴۳۷ نفر از کودکان دبستانی اجرا و همسانی درونی را برای کودکان دبستانی دختر و پسر به

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

ترتیب ۰/۴۸ و ۰/۵۱ و برای نوجوانان متوسطه، ۰/۷۹ گزارش کردند. سپس پایایی به روش بازآزمایی را پس از پنج هفته ۰/۵۸ به دست آوردند و اعتبار هم‌زمان پرسش‌نامه را بر اساس بهره هوش کلامی محاسبه کردند که حاکی از همبستگی معنادار دو متغیر بود. به طور کلی کودکانی که نمره بالاتری در مقبولیت اجتماعی دریافت کرده‌اند، پاسخ مثبت بیش‌تری به تقاضاهای بین فردی می‌دهند [۲۲]. Samouee و همکاران در سال ۱۳۸۳ این مورد را مورد بررسی قرار دادند. همسانی درونی سؤالات در این مرحله حکایت از آن داشت که هشت سؤال پرسش‌نامه (۱، ۲، ۸، ۹، ۱۲، ۱۶، ۲۱ و ۲۲) با نمره کل همبستگی ندارد. بنابراین از فرم اصلی حذف شدند و در مرحله دوم، پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی اجرا و این بار سؤالات ۱، ۲، ۱۲ و ۱۳ نامناسب تشخیص داده شد و به جز سؤال ۱۲ حذف شدند؛ البته سؤال ۱۲ مورد ویراستاری قرار گرفت. در مرحله سوم، فرم ۱۷ سؤالی اجرا شد و نتایج همسانی درونی در این مرحله حکایت از آن داشت که نمرات هر ۱۷ سؤال سه‌گزینه‌ای «بله»، «تا حدودی» و «خیر» تنظیم و نمره‌گذاری ۱، ۲ و صفر را شامل شد. حداقل نمره هر فرد در پرسشنامه صفر و حداکثر ۳۴ است. نمره‌ی بیش‌تر نشان دهنده مقبولیت اجتماعی بالاتر و برعکس است. ضریب الفای این پرسشنامه ۰/۷۷ و ضریب ضریب پایایی به روش دو نیمه سازی ۰/۶۶ به دست آمد [۲۳]. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۲ محاسبه شد.

پرسش‌نامه علایم مرضی کودکان: جهت سنجش اختلالات سلوک از پرسش‌نامه علائم مرضی کودکان استفاده شد. این مقیاس اولین بار توسط Spirafkin و Gado در سال ۱۹۸۴ به منظور غربال ۱۸ اختلال رفتاری و هیجانی در کودکان و نوجوانان طراحی شد. این پرسش‌نامه دارای دو چک لیست والد و معلم است که در این تحقیق از چک لیست والد استفاده شده است. چک لیست والد ۹۷ سؤال برای سنجش ۱۷ اختلال دارد که ۱۵ سؤال آن مربوط به ارزیابی اختلالات سلوک است. هر عبارت در چک لیست در یک مقیاس ۴ درجه‌ای (هرگز=۱، گاهی=۲، اغلب=۳ و بیش‌تر اوقات=۴) پاسخ داده می‌شود. بنابراین حداقل نمره کلی ۱۵ و حداکثر آن ۶۰ می‌باشد. سؤالات مربوط به ارزیابی اختلالات سلوک ۵ خرده مقیاس پرخاش‌گری (سؤال ۱ الی ۳)، بی‌مسئولیتی (سؤال ۴ الی ۶)، فریب‌کاری (سؤال ۷ الی ۹)، خراب‌کاری (سؤال ۱۰ الی ۱۲) و روابط ضعیف بین فردی (۱۳ الی ۱۵) را می‌سنجد که حداقل نمره هر خرده مقیاس ۳ و حداکثر ۱۲ می‌باشد [۲۴]. Farzad و همکاران در پژوهشی مقدار ضریب پایایی آن را به روش هماهنگی درونی برای فرم والد ۰/۹۴ و برای فرم معلم ۰/۹۶ گزارش کردند [۲۵]. در مطالعه حاضر پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ عدد ۰/۸۰ به دست آمد که نشان دهنده پایا بودن پرسش‌نامه است.

پرسش‌نامه تنظیم شناختی هیجان: این پرسش‌نامه توسط Penza-Cliyve و Zeman در سال ۲۰۰۲ ساخته شده که دارای ۱۶ گویه است. شیوه پاسخ‌دهی به گویه‌های آن بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (اصلاً درست نیست =۱، کمی درست =۲، تا حدی درست=۳، خیلی درست=۴ و بسیار درست=۵) است. این پرسش‌نامه دو عامل آگاهی ضعیف تنظیم هیجانی (سؤالات ۱ الی ۸) و ضعف در ابراز هیجان (سؤالات ۹ الی ۱۶) را می‌سنجد [۲۶]. در پژوهش

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

Ariapooran میزان آلفای کرونباخ این مقیاس برای عامل آگاهی ضعیف تنظیم هیجانی و ضعف در ابراز هیجان به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۹ به دست آمد [۲۷]. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ دو مقیاس بالا به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۷۴ به دست آمد.

داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج برای داده‌های کمی به صورت میانگین و انحراف معیار و برای داده‌های کیفی به صورت تعداد (درصد) گزارش گردید. به منظور مقایسه ویژگی‌های کمی و کیفی در سه گروه مورد بررسی از آزمون مجذور کای و آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شد. هم‌چنین به منظور مقایسه هم‌زمان میانگین نمرات مقبولیت اجتماعی، دشواری در تنظیم هیجانی و اختلالات سلوک در گروه‌های مورد بررسی از تحلیل واریانس چندمتغیره و آزمون تعقیبی حداقل اختلاف معنی‌دار (Least significant difference; LSD) استفاده شد. سطح معنی‌داری در آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج

میانگین و انحراف معیار سنی گروه کودکان طلاق ۱/۱۰ ± ۱۴/۳۰، گروه کودکان با تجربه مرگ والدین ۱/۱۲ ± ۱۳/۵۵ و گروه کودکان عادی ۰/۹۵ ±۱۴/۱۰ سال بود (P=۰/۰۰۷). نتایج آزمون مجذور کای نشان داد که بین گروه‌ها از نظر اطلاعات جمعیت شناختی شامل گروه‌های سنی، پایه تحصیلی و جنسیت تفاوت آماری معناداری وجود داشت (P<۰/۰۵) (جدول ۱).

جدول ۱- مقایسه فراوانی برخی ویژگی‌های جمعیت شناختی کودکان برحسب گروه‌های مورد بررسی در شهر قم در سال ۱۳۹۹

متغیرها	طبقات	گروه طلاق	گروه مرگ والدین	گروه عادی	مقدار P
		تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)	
سن	۱۲ سال	۴ (۶/۷)	۱۲ (۲۰/۰)	۴ (۶/۷)	۰/۰۰۴
	۱۳ سال	۱۰ (۱۶/۷)	۱۹ (۳۱/۷)	۱۱ (۱۸/۳)	
	۱۴ سال	۱۸ (۳۰/۰)	۱۵ (۲۵/۰)	۲۱ (۳۵/۰)	
	۱۵ سال	۲۰ (۳۳/۳)	۱۲ (۲۰/۰)	۲۳ (۳۸/۳)	
	۱۶ سال	۸ (۱۳/۳)	۲ (۳/۳)	۱ (۱/۷)	
پایه تحصیلی	ششم	۴ (۶/۷)	۱۵ (۲۵/۰)	۴ (۶/۷)	۰/۰۰۱
	هفتم	۱۰ (۱۶/۷)	۱۸ (۳۰/۰)	۱۱ (۱۸/۳)	
	هشتم	۱۸ (۳۰/۰)	۱۶ (۲۶/۷)	۲۱ (۳۵/۰)	
	نهم	۲۸ (۴۶/۷)	۱۱ (۱۸/۳)	۲۴ (۴۰/۰)	
جنسیت	دختر	۳۰ (۵۰)	۳۰ (۵۰)	۳۰ (۵۰)	۱/۰۰۰
	پسر	۳۰ (۵۰)	۳۰ (۵۰)	۳۰ (۵۰)	

آزمون مجذور کای، p<۰/۰۵ اختلاف معنی‌دار

جدول ۲، میانگین و انحراف معیار نمره متغیرهای اختلال سلوک، دشواری در تنظیم هیجان و مقبولیت اجتماعی را در هر سه گروه نشان می‌دهد.

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

جدول ۲- میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمرات متغیرهای پژوهش در کودکان طلاق، کودکان دارای تجربه مرگ والدین و کودکان عادی در شهر قم در سال ۱۳۹۹

متغیرها	گروه طلاق				مرگ والدین				گروه عادی			
	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
اختلال سلوک	۴۰/۸۰	۱۲/۶۲	۳۲	۴۵	۳۶/۸۱	۱۰/۷۸	۳۲	۴۵	۲۲/۷۷	۱۰/۵۲	۳۰	۴۵
دشواری در تنظیم هیجان	۴۹/۹۵	۱۳/۶۰	۴۰	۵۵	۴۵/۸۸	۹/۲۰	۳۸	۵۵	۳۹/۷۹	۱۳/۰۰	۳۹	۵۵
مقبولیت اجتماعی	۱۴/۸۰	۶/۲۰	۱۱	۱۹	۱۶/۷۹	۵/۶۰	۹	۱۸	۱۸/۲۷	۶/۸۵	۱۰	۱۹

پیش از تحلیل داده‌ها با آنالیز واریانس چندمتغیره پیش‌فرض‌های آن بررسی شد و نتایج نشان داد که بر اساس آزمون Kolmogorov-Smirnov فرض نرمال بودن برای متغیرهای اختلال سلوک، دشواری تنظیم هیجان و مقبولیت اجتماعی برقرار است (P=۰/۰۹۱). قبل از اجرای تحلیل واریانس چندمتغیره برای مقایسه اختلال سلوک، دشواری در تنظیم هیجان و مقبولیت اجتماعی، ابتدا آزمون ام باکس (Box's M) جهت بررسی شرط همگنی ماتریس‌های کواریانس به عمل آمد که نتایج نشان داد شرط همگنی واریانس‌ها برقرار است (F=۱/۴۵۶، P=۰/۰۵۱). هم‌چنین نتایج نشان داد شرط همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون Levene برای علایم اختلالات سلوک (P=۰/۱۱۷)، دشواری در تنظیم هیجان (P=۰/۱۰۲) و مقبولیت اجتماعی (P=۰/۰۸۵) رعایت شده است و می‌توان برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها از آزمون پارامتریک استفاده نمود.

سطح معناداری به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد که تفاوت بین سطح متغیر مستقل در ترکیب خطی متغیرهای وابسته معنادار است و بین گروه‌ها در حداقل یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد (P<۰/۰۰۱ و F=۱۱/۰۰۱). نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نیز نشان داد بین کودکان طلاق، دارای تجربه مرگ والدین و کودکان عادی در میانگین نمرات اختلالات سلوک (P<۰/۰۰۱)، دشواری در تنظیم هیجان (P<۰/۰۰۱) و مقبولیت اجتماعی (P=۰/۰۱۳) تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد. اندازه اثر (که در واقع مجذور ضریب همبستگی بین متغیرهای وابسته و عضویت گروهی است) نشان داد که تفاوت بین سه گروه با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنی‌دار است و میزان این تفاوت تقریباً ۲۸ درصد است. یعنی ۲۸/۵ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته ناشی از متغیر مستقل بوده است (جدول ۳).

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]

[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

جدول ۳- خلاصه نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره بر روی میانگین نمرات متغیرهای مورد بررسی

اثر	آزمون	ارزش	مقدار F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	مقدار P	اندازه اثر
گروه	اثر پیلایی	۰/۳۸۳	۱۳/۵۶۳	۶	۳۴۴	< ۰/۰۰۱	۰/۲۸۵
	لامبدای ویلکز	۰/۶۱۹	۱۵/۴۹۰	۶	۳۴۲	< ۰/۰۰۱	۰/۲۸۵
	اثر هولتینگ	۰/۶۱۳	۱۷/۳۶۹	۶	۳۴۰	< ۰/۰۰۱	۰/۲۸۵
	بزرگترین ریشه روی	۰/۶۰۹	۳۴/۹۰۶	۳	۱۷۲	< ۰/۰۰۱	۰/۲۸۵

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین میانگین نمرات اختلال سلوک، دشواری در تنظیم هیجانی و مقبولیت اجتماعی در سه گروه از کودکان (طلاق، عادی و دارای تجربه مرگ والدین) تفاوت وجود دارد (P<۰/۰۵). با توجه به این‌که میانگین سنی و توزیع فراوانی پایه تحصیلی در گروه‌های مورد بررسی تفاوت آماری معنی‌داری با یک‌دیگر داشتند، بنابراین اثرات سن و پایه تحصیلی در تحلیل واریانس چندمتغیره کنترل گردید. مقدار اندازه اثر در جدول ۴ نشان می‌دهد که ۳۷ درصد تفاوت در نمرات اختلالات سلوک، مربوط به گروه‌ها (مرگ والدین، تجربه طلاق و کودکان عادی) است. هم‌چنین ۱۱/۶ درصد تفاوت در نمرات دشواری در تنظیم هیجان، مربوط به گروه‌ها (مرگ والدین، تجربه طلاق و کودکان عادی) و ۴/۹ درصد از تفاوت نمرات مقبولیت اجتماعی، مربوط به گروه‌های مرگ والدین، تجربه طلاق و کودکان عادی است که نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد بین سه گروه از کودکان (طلاق، دارای تجربه مرگ والدین و عادی) در میانگین نمره اختلال سلوک، دشواری در تنظیم هیجانی و مقبولیت اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود داشت (P<۰/۰۵۰).

جدول ۴- نتایج آنالیز واریانس چندمتغیره مقایسه اختلالات سلوک، دشواری در تنظیم هیجانی و مقبولیت اجتماعی در کودکان مورد مطالعه در شهر قم در سال ۱۳۹۹

گروه	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	مقدار P*	اندازه اثر
گروه	اختلالات سلوک	۱۰۷۱۸/۲۵۸	۲	۵۳۳۹/۱۲۹	۵۰/۸۰۷	< ۰/۰۰۱	۰/۳۷۰
	دشواری در تنظیم هیجان	۳۱۱۷/۶۱۷	۲	۱۵۵۸/۵۸۳	۱۱/۳۴۴	< ۰/۰۰۱	۰/۱۱۶
	مقبولیت اجتماعی	۳۴۷/۶۷۹	۲	۱۷۳/۸۳۹	۴/۴۲۰	۰/۰۱۳	۰/۰۴۹

*** کنترل شده برای اثرات سن و پایه تحصیلی***

برای مقایسه زوجی گروه‌ها با یک‌دیگر از آزمون تعقیبی LSD استفاده شد (جدول ۵). نتایج بیان‌گر آن بود که بین میانگین‌های اختلالات سلوک در گروه کودکان طلاق با گروه مرگ والدین (p=۰/۰۱۰)، گروه کودکان طلاق با گروه کودکان عادی (p=۰/۰۰۱) و گروه کودکان دارای مرگ والدین با گروه کودکان عادی (p=۰/۰۰۱) تفاوت معناداری وجود داشت. هم‌چنین بین میانگین دشواری در تنظیم هیجان گروه کودکان طلاق با گروه کودکان عادی (p=۰/۰۰۱) و گروه کودکان دارای مرگ والدین با گروه کودکان عادی (p=۰/۰۰۴) تفاوت معناداری وجود داشت. بین میانگین میزان مقبولیت اجتماعی گروه کودکان طلاق با کودکان عادی نیز تفاوت معنادار بود (p=۰/۰۰۳).

جدول ۵- مقایسه زوجی بین سه گروه کودکان (طلاق، دارای تجربه مرگ والدین و عادی) بر اساس نمره اختلال سلوک، دشواری در تنظیم هیجانی و مقبولیت اجتماعی در کودکان مورد مطالعه در شهر قم در سال ۱۳۹۹

متغیر	گروه		تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	مقدار P
اختلالات سلوک	طلاق	مرگ والدین	۵/۱۳۱	۱/۹۶۸	۰/۰۱۰
		عادی	۱۸/۳۲۰	۱/۸۸۱	۰/۰۰۱
	مرگ والدین	عادی	۱۳/۱۸۹	۱/۹۲۸	۰/۰۰۱
دشواری در تنظیم هیجان	طلاق	مرگ والدین	۳/۷۵۵	۲/۲۴۶	۰/۰۹۶
		عادی	-۱۰/۰۸۹	۲/۱۴۷	۰/۰۰۱
	مرگ والدین	عادی	-۶/۳۳۳	۲/۲۰۰	۰/۰۰۴
مقبولیت اجتماعی	طلاق	مرگ والدین	-۱/۷۷۷	۱/۲۰۲	۰/۱۴۱
		عادی	-۳/۴۱۵	۱/۱۴۹	۰/۰۰۳
	مرگ والدین	عادی	-۱/۶۳۸	۱/۷۷۷	۰/۱۶۶

آزمون تعقیبی LSD، p< ۰/۰۵ اختلاف معنی‌دار

بحث

هدف پژوهش حاضر مقایسه اختلالات سلوک، مقبولیت اجتماعی و دشواری در تنظیم هیجان در کودکان طلاق، کودکان با مرگ والدین و کودکان عادی بود. نتایج نشان داد که میانگین علائم اختلالات سلوک در گروه طلاق و دارای تجربه مرگ والدین بیش‌تر از

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

کودکان عادی بوده است. این نتیجه همخوان با یافته‌های قبلی است که نشان دادند اختلالات سلوک یک مشکل اساسی در کودکان طلاق است [۲۸]. هم‌چنین با یافته‌های قبلی همخوان است که میزان بالایی از اضطراب جدایی، اضطراب فراگیر [۲۹] و اضطراب اجتماعی [۳۰] را در کودکان طلاق گزارش کرده‌اند. به‌علاوه، این نتیجه همسو با یافته‌های قبلی نیز هست که میزان شیوع علائم اختلالات وحشت‌زدگی، گذرهراسی، اختلال اضطراب اجتماعی، اضطراب فراگیر، هراس خاص و اضطراب جدایی را در کودکان دارای تجربه مرگ یکی از والدین بیش‌تر از کودکان عادی گزارش کردند [۲۸]. در مورد طلاق و مرگ والدین و تأثیر آن بر اختلالات سلوک کودکان گفته می‌شود که با توجه به اهمیت رابطه کودک با والد و دلبستگی میان آن‌ها در صورت عدم ارضاء نیازهای عاطفی کودکان به دلیل طلاق یا مرگ والدین، این کودکان تجربه فقدان و ناکامی ناشی از این دو حادثه استرس‌زا را از طریق فشارهای روحی و هیجان های منفی به ویژه اضطراب یا اختلالات سلوک نشان خواهند داد زیرا در پژوهش‌های گذشته تجارب منفی دوران کودکی مانند فقدان والد مراقبت کننده یکی از عوامل ایجاد اختلالات سلوک در نظر گرفته شده است [۳۱]. بنابراین می‌توان گفت که فقدان والدین یا والدی که نسبت به کودک حمایت هیجانی و عاطفی دارد، موجب می‌شود که وی محیط اطراف را تهدیدآمیز در نظر بگیرند و به احتمال زیاد علائم اختلالات سلوک از جمله اختلال وحشت زدگی، اضطراب فراگیر، اضطراب جدایی، اضطراب اجتماعی در آنان بیش‌تر خواهد شد که خود این امر می‌تواند به یک مشکل رفتاری جدی مانند اجتناب از مدرسه (که یکی از ابعاد اختلالات سلوک در پرسش‌نامه مورد استفاده بود)، منجر شود.

در مورد میزان بیش‌تر اختلالات سلوک در گروه کودکان مواجه با طلاق والدین نسبت به کودکان مواجه با مرگ والدین و کودکان عادی چنین احتمال می‌دهند که طلاق والدین مجموعه وسیعی از تغییرات و سازماندهی‌های مجدد را در خانواده ایجاد می‌کند که در طول زمان بر سازگاری کودک تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود که کودکان به دلیل داشتن سن کم مهارت‌های ناکارآمد در برخورد با شرایط جدید و داشتن ملاقات‌های مکرر با والد جدا شده، ساختار جدید خانواده را نپذیرند و بیش‌ترین آسیب را متحمل شوند ولی کودکان دارای تجربه مرگ والدین معمولا مرگ والدین و نبود آن‌ها را بعد از فرایند سوگ می‌پذیرند و حالت‌های اضطراب و نشانه‌های آن را کم‌تر بروز می‌دهند. از طرفی همسو با نتایج Kahani و Hassanabadi [۳۱] می‌توان اذعان

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

داشت که کودکانی که از یک رابطه نزدیک با والد خود محروم هستند احساس امنیت کم‌تری می‌کنند و برای ابتلاء به اختلالات سلوک در معرض خطر بیش‌تری هستند.

هم‌چنین در راستای مطالعه حاضر می‌توان به نتایج مطالعه Seligman و Rosenhan اشاره کرد که بروز علائم احساس حقارت، کناره‌گیری اجتماعی، کم‌رویی، ترس، غم و اندوه مزمن را در کودکان طلاق و جدا مانده از والدین نشان دادند. چنین استنباط می‌شود که این کودکان ممکن است نسبت به برداشت‌های دیگران از طلاق و مرگ والدین ارزیابی‌های منفی داشته باشند که باعث کناره‌گیری آنان از دیگران و کاهش مشارکت اجتماعی‌شان شود، لذا ممکن است که احساس کنند دیگران آن‌ها را از نظر اجتماعی نمی‌پذیرند. این باور نیز در یک چرخه معیوب منجر به کناره‌گیری بیش‌تر از اجتماع و در نهایت کاهش مقبولیت اجتماعی آنان می‌گردد [۲۹].

نتایج نشان داد که میانگین مشکل در دشواری در تنظیم هیجان در گروه کودکان طلاق و گروه کودکان دارای تجربه مرگ والدین بیش‌تر از گروه کودکان عادی بود. در مورد مقایسه ابراز هیجان در کودکان طلاق و کودکان دارای تجربه مرگ والدین با کودکان عادی تا زمان انجام این پژوهش مطالعه‌ای انجام نشده است، اما برخی پژوهش‌ها به مشکلات هیجانی کودکان طلاق [۳۰] و کودکان مواجه با مرگ والدین [۲۸] اشاره کرده‌اند و برخی پژوهش‌ها اثر مرگ والدین را بر مشکل در توانایی کنترل هیجان‌ها [۲۹] و بهزیستی هیجانی پایین [۲۸] کودکان تأیید کرده‌اند. در تبیین این یافته طبق پژوهش‌های قبلی گفته می‌شود که عدم حضور والدین به دلیل طلاق و جدایی یا مرگ اثرات روان‌شناختی کوتاه مدت و بلندمدتی بر کودکان می‌گذارد [۵]. به عنوان نمونه، کودکان دارای تجربه مرگ والدین به دلیل فقدان والد از دست رفته، تنهایی و گوشه‌گیری [۲۸] را انتخاب می‌کنند که خود این امر می‌تواند به کاهش ابراز هیجان در آنان به ویژه در موقعیت‌های اجتماعی منجر شود. به عبارت دیگر، کودکان طلاق و دارای تجربه مرگ والدین ممکن است فقدان والد خود را از طریق ابرازهای هیجانی پایین در روابط اجتماعی نشان دهند. کودکان دارای تجربه مرگ والدین ممکن است همیشه نسبت به از دست دادن والد از دست رفته احساس پریشانی روان‌شناختی داشته باشند که همین احساس می‌تواند به ابراز هیجانی پایین و آگاهی ضعیف هیجانی آن‌ها منجر شود زیرا فقدان والد از دست رفته موجب کاهش تشویق‌ها و حمایت‌های وی از نحوه ابراز هیجانی

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

کودک می‌شود. علاوه بر این، طلاق و مرگ والدین پریشانی‌های روان‌شناختی زیادی را در کودکان ایجاد می‌کند که از جمله آن‌ها می‌توان به افسردگی اشاره کرد که بر این اساس می‌توان گفت افسردگی این کودکان می‌تواند در مشکل در ابراز هیجان آن‌ها نقش داشته باشد زیرا در پژوهش‌های گذشته نشان داده شده که ابراز هیجانی پایین و دوگانگی در ابراز هیجانی با افسردگی در ارتباط است [۳۰]. هم‌چنین همسو با نتایج این مطالعه، نتایج مطالعه Qamari و Fakoor نشان داد که کودکان طلاق از بهداشت روان پایین‌تری برخوردار هستند و از شیوه مقابله هیجانی و اجتنابی بیش‌تری استفاده می‌کنند [۳۰].

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش خودگزارش‌دهی افراد گروه نمونه با استفاده از پرسش‌نامه بود که ممکن است سوگیری در پاسخ دادن به سؤالات را به همراه داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی از مصاحبه برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر استفاده شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی مقایسه‌ای بین کودکان با از دست دادن پدر و مادر و کودکانی که تحت تنش والدین هستند یا تحت سرپرستی نامناسب قرار دارند، صورت گیرد. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش انجام آموزش‌های روان‌شناختی لازم مانند آموزش مهارت‌های ارتباطی برای کاهش مشکلات روانی در کودکان طلاق و دارای تجربه مرگ والدین توصیه می‌شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان داد میزان اختلالات سلوک و دشواری در تنظیم هیجان در کودکان طلاق بیش‌تر از کودکان دارای تجربه مرگ والدین و کودکان عادی است و مقبولیت اجتماعی کودکان طلاق از دو گروه دیگر کم‌تر است. با توجه به این‌که طلاق و مرگ والدین منجر به عدم ارضاء نیازهای عاطفی کودک، تجربه بیش از حد فشارهای روحی و هیجان‌های منفی ناشی از فقدان والد و اختلال در روابط اجتماعی و روابط بین فردی شده، توصیه می‌شود با شناسایی کودکان طلاق و کودکان دارای تجربه مرگ والدین در مدارس خدمات مشاوره و روان‌شناختی بیش‌تری برای این کودکان در نظر گرفته شود. یافته‌های این پژوهش قابل کاربست توسط دست‌اندرکاران آموزش و پرورش به ویژه روان‌شناسان و مشاوران مدارس می‌باشد.

تشکر و قدردانی

این مقاله حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است. محققان بر خود لازم می‌دانند از کلیه معلمان و دانش‌آموزان عزیز که در اجرا و

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

تکمیل پرسش‌نامه‌ها ما را یاری کردند تشکر نمایند. هم‌چنین، از مسئولین و مدیران محترم آموزش و پرورش قم که با هماهنگی‌های لازم و حمایت خود انجام این تحقیق را میسر نمودند، قدردانی می‌گردد.

References

[1] Edalati A, Redzuan MR. Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *J Am Sci* 2015; 6(4): 132-7.

[2] Amato PR, Marriott BH. A Comparison of high-and low Distress Marriages that end in Divorce. *J Marriage Fam* 2016; 69(2): 621-38.

[3] Johnson VI. Adult children of divorce and relationship education: Implications for counselors and counselor educators. *The Family J* 2010; 19(1): 22-9.

[4] Martinez-Pampliega A, Aguado V, Corral S, Cormenzana S, Merino L, Iriarte L. Protecting Children After a Divorce: Efficacy of Egokitzen—An Intervention Program for Parents on Children's Adjustment. *J Child Fam Stud* 2015; 24(12): 3782-92.

[5] Haji-Hosseini M, Raissi A. Identification of Factors Affecting Parental Divorce Damage in Boys Under the custody of the mother. *Policewomen Studies J* 2017; 1396(26): 5-28. [Farsi]

[6] Rosenbaum-Feldbrugge M. The Impact of Parental Death in Childhood on Sons' and Daughters' Status Attainment in Young

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]

[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

Adulthood in the Netherlands. *Demogr J* 2019; 56: 1827-54.

[7] Ellis J, Dowrick C, Lloyd - Williams M. The Long-Term Impact of Early Parental Death: Lessons from a Narrative Study. *J R Soc Med* 2013; 106(2): 57-67.

[8] Tebeka S, Hoertel N, Dubertret C, Le Strat Y. Parental Divorce or Death during Childhood and Adolescence and Its Association with Mental Health. *J Nerv Ment Dis* 2016; 204(9): 678-85.

[9] Amato PR, Anthony CJ. Estimating the Effects of Parental Divorce and Death with Fixed Effects Models. *J Marriage Fam* 2014; 76: 370-86.

[10] Bronfen Brenner U. Toward an experimental ecology of human development. *American Psychologist* 1977; 32: 513-31.

[11] Antonopoulou K, Chaidemenou A, Kouvava S. Peer Acceptance and Friendships among Primary School Pupils: Associations with Loneliness, Self -Esteem and School Engagement. *Edu Psychology in Practice* 2019; 35: 339-51.

[12] Bayrami M, Movahedi Y, Karazi Notash H, Albort S. Comparison of Social Acceptance and Public Health Students with and without Internet Addiction. *Community Health J* 2017; 9(2): 20-8. [Farsi]

[13] Beak LE. Development through the lifespan. Translators: Seyed Mohammadi Y. 4th ed, Tehran: Arasbaran; 2007: 669-721. [Farsi]

[14] Ghezelseflo M, Hematipouya S. Effectiveness of emotional regulation training on affective, social and educational adjustment in 10 to 14 years' boys suffering from conduct disorder. *J Appl Psychol* 2018; 12(2): 183-202. [Farsi]

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]

[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

[15] Chang CN, Wang W. Conduct disorder in girls: Neighborhoods, family characteristics and parenting behaviors. *J Child Adolesc Psychiatr Ment Health* 2016; 2, Article ID 28.

[16] Bouragui KE, Wauthia E, Simon A, Rossignol M. Processing of Emotional Facial Expressions (EFE) in Paediatric Anxiety: Are Child Faces More Noteworthy than Adult Faces? *Acta Psychopathologica* 2017; 3(4): 1-7.

[17] Ariapooran S, Abbasi M. The Symptoms of Anxiety Disorders, Emotional Expression and Social Acceptance in Students with Parental Divorce and Death Experience and Normal Student. *Journal of Family Research* 2020; 16(2): 259-83. [Farsi]

[18] Yap K, Mogan C, Moriarty A, Dowling N, Blair-West S, Gelgec C, et al. Emotion regulation difficulties in obsessive-compulsive disorder. *J Clin Psychol* 2018; 74(4): 695-709.

[19] Heerdink W, Van K, Homan CH. Emotional expressions as social signals of rejection and acceptance: Evidence from the Affect Misattribution Paradigm. *J Exp Soc Psychol* 2015; 56: 60-8.

[20] Scharfstein L, Beidel DC. Behavioral and Cognitive-Behavioral Treatments for Youth with Social Phobia. *J Exp Psychopathol* 2011; 2(4): 615-28.

[21] Delavar A. Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences. 9th ed, Tehran: Roshd; 2011: 133. [Farsi]

[22] Ford LH, Rubin BM. A social desirability questionnaire for young children. *J Consult Clin Psychol* 1970; 35(2): 195–204.

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]

[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

[23] Samouee R, Bagherzadeh H, Sabzevari M. Assessing the reliability of the social acceptability questionnaire of primary school students in Isfahan. *Behavioral Science Research* 2005; 2(1-2): 6-12. [Farsi]

[24] Spirafkin F, Gado B. Parenting style and mental health in Iranian adolescents. *J of Novel Applied Sciences* 1984; Available from: www.jnasci.org.

[25] Farzad VA, Emamipour S, Vakil Ghahani F. Evaluation of validity, validity and standardization of pediatric symptoms questionnaire. *J of Psychological Researchs* 2011; 3(11): 47-57. [Farsi]

[26] Penza-Cliyve S, Zeman J. Initial Validation of Emotion Expression Scale for Children (EESC). *J Clin Child Adolesc Psychol* 2002; 31(4): 540-7.

[27] Ariapooran S. A Comparative Study of the Symptoms of Anxiety Disorders between Learning- Disabled and Regular Education Children. *Middle Eastern J of Disability Studies* 2017; 7:1-6. Available from: URL: http://jdisabilstud.org/article-1-639-fa.html. [Farsi]

[28] Marchant MR, Solano BR, Fisher AK, Caldarella P, Young KR, Renshaw TL. Modifying socially with drawn behavior: A playground intervention for students with internalizing behaviors. *Psychol Sch* 2007; 44: 779-94.

[29] Seligman M, Rosenhan D. Abnormal Psychology: Psychopathology Based on DSM-IV (Volume 1). Translator: Seyed Mohammadi Y. 11th ed, Tehran: Savalan; 2011: 405-24. [Farsi]

[30] Qamari M, Fakoor E. Comparison of coping styles with stress and mental health and the relationship between these variables among

years of discrete and continuous families. *Scientific J of Birjand Uni of Med Sci* 2000; 7(1): 39-42. [Farsi]

divorced and non-divorced students. *Behavioral Sci* 2010; 2(4): 119-32. [Farsi]

[31] Kahani S, Hassanabadi M. Comparison of anxiety and aggression in adolescents 12-19

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]

[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]

Comparison of Social Acceptability, Conduct Disorders, and Difficulty in Emotion Regulation between Children of Divorce, Children with Parental Death, and Normal Children in Qom in 2020: A Descriptive Study

M. Zeraatkar[1], Sh. Saravani[2], M. Zeinali Pour[3], F. Arbabi[4]

Received: 03/08/21 Sent for Revision: 07/09/21 Received Revised Manuscript: 06/11/21 Accepted:08/11/21

Background and Objectives: The experience of separation and death of parents can lead to many psychological and behavioral problems. The aim of this study was to determine and compare social acceptability, conduct disorders and difficulty in emotion regulation in children of divorce, children with parental death, and normal children.

Materials and Methods: In this descriptive study, 180 6th-grade and middle school students in Qom in 2020 were selected by purposive and available sampling method, which includes 60 students with parental death, 60 students with divorced parents, and 60 normal students. Ford and Rubin Social Acceptability Questionnaire, Spirafkin and Gado Conduct Disorder Questionnaire, and Penza-Cliyve and Zeman Emotion Regulation Difficulty Questionnaire were used to collect data. Data were analyzed by multivariate analysis of variance (MANOVA).

Results: The findings showed that there is a significant difference among the children with divorced parents, children with parental death experience, and normal children in conduct disorders ($F=50.807$, $p<0.001$), difficulty in emotion regulation ($F=11.344$, $p<0.001$), and social acceptability ($F=4.420$, $p=0.013$). Thus, social acceptanbility, conduct disorders and difficulty in emotion regulation were higher in the students with divorced parents than students with parental deaths and normal students.

Conclusion: According to the results of the study, the rate of conduct disorders and difficulty in emotion regulation in the children of divorce is higher than the children with parental deaths and normal children. Therefore, it is recommended to use psychological training and therapies to reduce psychological problems including symptoms of conduct disorders and improve emotion regulation and increase social acceptability in the students experiencing parental divorce and parental death.

Key words: Social acceptability, Conduct disorders, Parental death, Divorce, Children, Qom

Funding: This study did not have any funds.

Conflict of interest: None declared.

Ethical approval: The Ethics Committee of Islamic Azad University of Qom Branch approved the study (IR.IAU.QOM.REC.1400.008).

How to cite this article: Zeraatkar M, Saravani Sh, Zeinali Pour M, Arbabi F. Comparison of Social Acceptability, Conduct Disorders, and Difficulty in Emotion Regulation Between Children of Divorce, Children with Parental Death, and Normal Children in Qom in 2020: A Descriptive Study. *J Rafsanjan Univ Med Sci* 2022; 20 (10): 1099-116. [Farsi]

1- MA in Family Counseling, Dept. of Family Counseling, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
ORCID: 0000-0003-3712-4085
2- Assistant Prof., Dept. of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, ORCID: 0000-0002-0939-5139
(Corresponding Author) Tel: (025) 32808080, Fax: (025) 32804040, E-mail: shahrzad_saravani@yahoo.com
3- MA in Psychology, Dept. of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, ORCID: 0000-0002-4091-7900
4- MA in Psychology, Dept. of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, ORCID: 0000-0002-2347-4300

[Downloaded from journal.rums.ac.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17353165.1400.20.10.6.4]
[DOI: 10.52547/jrums.20.10.1099]